

مؤلفه‌های اتحاد اسلامی در اندیشه امام و رهبری و جایگاه آن در انقلاب اسلامی

بهاءالدین قهرمانی نژاد شایق*

چکیده

از اصلی‌ترین مبانی اندیشه، سیره و منش امام خمینی، که بازخورد بیرونی آن به‌عنوان سیاست راهبردی انقلاب اسلامی بروز نموده، توجه به اتحاد امت اسلامی است. به همین جهت، وحدت کلمه، پرهیز از تفرقه، تمرکز بر مشترکات، اتحاد و همدلی و منافع امت اسلامی از آموزه‌های اصیل و دیرین امام راحل و خلف صالحش، رهبر معظم انقلاب اسلامی است. واکاوی و بررسی مؤلفه‌ها و تعیین معیارهای این آموزه راهبردی، مسئله‌ای است که این مقاله عهده‌دار پاسخ آن است. ضرورت این پژوهش، علاوه بر اهمیت موضوعی، کاربردی و راهبردی آن، اثبات این واقعیت است که از دید امام (قده)، اتحاد امت اسلامی، نه یک تاکتیک و روش، بلکه ضرورتی فطری و فریضه‌ای الهی است.

واژگان کلیدی

امام خمینی، مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی، وحدت کلمه، امت واحد.

طرح مسئله

اساس دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اسلام بر دو پایه استوار شده است، «کلمه توحید» و «توحید کلمه» که این مسئله مبنای مباحث اعتقادی و فقهی که بازخورد اجتماعی دارد گشته است. (شهید ثانی،

bghahremani@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۴

*. استادیار گروه تاریخ، تمدن و انقلاب اسلامی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۶

۱۴۱۰: ۶ / ۲۲۲) روشن است که اسلام به‌عنوان شریعت جهانی و هدف تمامی انبیا است که در قرآن و در آیات متعددی به آن تصریح شده است. بر مبنای همین حقیقت حتمیه، امامان و اصحاب پاکبخته‌ای که در مدرسه علمی اهل بیت علیهم‌السلام تعلیم دیده بودند، به ترویج این اندیشه اساسی که مبتنی بر وحدت‌گرایی در جامعه است، می‌پرداختند.

این مهم در سلوک امیرالمؤمنین علیه‌السلام، در دوران خلفای راشدین از حفظ اتحاد جامعه اسلامی و پرهیز از تفرقه‌نشست می‌گرفت و روش‌های عملی که پیشوایان معصوم علیهم‌السلام به یاران خویش در نحوه تعامل با عامه مسلمین می‌آموختند، در روش عملی اهل ایمان نهادینه شده و در تداوم این راهبرد اصلی، علمای ربانی و دانشمندان پاکبخته که در طول تاریخ به‌عنوان فقیهان و محدثان اهل بیت علیهم‌السلام شناخته می‌شدند، همین شیوه را سرلوحه خویش قرار داد و هرگاه که توجه به این عنصر؛ یعنی اتحاد امت اسلامی، زمینه بروز پیدا می‌کرد، ثمرات ماندگاری داشت که از مهم‌ترین آنها، آگاهی بخشی و تمایل عمومی به بیداری اسلامی و بروز خیزش‌ها و تحولات اصیل دیگر می‌باشد. از همین منظر، امام راحل نیز، با توجه به شرایط و اقتضات دوره معاصر؛ از ابتدا، درد اصلی جمهور اهل قبله را، نه بیداد بیدادگران و سلاطین، بلکه در خواب بودن امت اسلامی و عدم توجه به ظرفیت‌های شگرف اهل ایمان می‌دید و درمان این درد را منحصراً در اتحاد مسلمانان می‌دانست و به همین جهت، قبل از آغاز نهضت و سپس در روند مراحل مختلف آن، به این مهم در بین امت ایران اسلامی و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، با اعلام جهانی بودن هدف نهضت، این مبنای اساسی را در بیشتر اعلام مواضع، بیانات و نوشته‌های خویش، مورد تأکید قرار داد. جانشین شایسته وی، مقام معظم رهبری نیز این دکترین دائمی را به‌عنوان سیاست علمی و عملی برگزید و به ترویج آن پرداخت. خروجی این فریضه بی‌بدیل و سنت‌حسنة، میل به وحدت و نزدیکی مسلمانان به هم، تقریب بین مذاهب، توجه به منافع عامه مسلمانان مظلومی همچون فلسطین و مسئله قدس و ده‌ها از این نمایه‌ها و اخیراً منجر به بیداری اسلامی شده است. طبعاً حیاتی بودن این موضوع، ما را به سمت شناخت معیارها و مؤلفه‌های اصلی این اندیشه جذب می‌نماید که می‌توان آن را در چند محور بررسی نمود.

محوریت ثقلین در اتحاد مسلمین

حدیث متواتر ثقلین، اصلی‌ترین محور وحدت امت اسلامی، بلکه همه موحدان و بالاتر از همه، تمام طالبان آزادی حقیقی مبتنی بر کرامت انسانی و جبلت وحیانی می‌باشد. آنجا که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، در بیان این استراتژی مهم و برای همه اعصار، در سخنی شیوا که علاوه بر قاطبه منابع شیعی در منابع

اصلی عامه نیز وارد شده، فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی اهل بیتی، ما ان تمسکتما بهما لن تصلوا بعدي ابدأ و لن یفترقا حتی یردا علی الحوض؛ یعنی، همانا در میان شما مسلمین، دو وسیله و دستاویز حقیقی هدایت که بسیار گران‌سنگ‌اند، به یادگار می‌گذارم که یکی قرآن و دیگری اهل بیت می‌باشند. هر گاه که به هر دو چنگ زنید و تمسک کنید، هیچ زمانی به گمراهی مبتلا نخواهید شد.» این دو به هیچ وجه، قابل انفکاک از هم نیستند، تا زمانی که در قیامت و در کنار حوض کوثر، بر من وارد شوند.» (احمد بن حنبل، بی‌تا: ۴ / ۲۶۷؛ مسلم نیشابوری، بی‌تا: ۷ / ۱۲۳؛ ابن سلیمان کوفی، ۱۴۱۲: ۲ / ۴۰۷؛ بیهقی، بی‌تا: ۲ / ۱۴۸؛ نووی دمشقی، ۱۴۱۱: ۲۱۱؛ زرنندی حنفی، ۱۳۷۷: ۲۳۱؛ سیوطی، ۱۴۰۱: ۱ / ۲۴۴؛ ابن جوزی حنبلی، ۱۴۱۳: ۱۰۳)

توجه به محوریت قرآن و عترت، از نکات مسلمی است که همواره مورد ترویج و تأکید عالمان ربانی بوده است. به همین مناسبت، از کلینی (۳۲۹ ق) که در عصر غیبت می‌زیسته تا خمینی، این روند ادامه داشته است. در طول این قرون متمادی، توجه دادن به جایگاه ثقلین، نه تنها در میان عالمان شیعی، بلکه در میان علمای اهل سنت نیز دیده می‌شد. از همین منظر، بزرگانی از اهل سنت، مانند باعونی دمشقی در قرن سوم، حاکم حسکانی در قرن پنجم، خوارزمی حنفی در قرن ششم، ابن ابی الحدید معتزلی در قرن هفتم، زرنندی حنفی در قرن هشتم، قندوزی حنفی در قرن دوازدهم و بسیاری دیگر از بزرگان اهل سنت در فواصل این قرون، در عظمت و اهمیت اهل بیت علیهم‌السلام که از سوی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، عدل قرآن شمرده شده است، مطالب بسیار قوی می‌آورده‌اند. یکی از مهم‌ترین محورهایی که این دانشمندان، از روش و سیره امامان معصوم علیهم‌السلام و در رأس ایشان، امیرالمؤمنین علیه‌السلام آورده و بر آن تأکید کرده‌اند، توجه ائمه هدی به اتحاد اسلامی و پرهیز از تفرقه و تفرق می‌باشد. محمد رشیدرضا، (م. ۱۳۶۹ ق / ۱۹۵۰ م) از دانشمندان معاصر مصری که تأثیرپذیری فوق‌العاده‌ای از مصلحان بزرگ اسلامی در دو قرن معاصر؛ یعنی سید جمال‌الدین اسدآبادی و محد عبده داشته است، در کتاب خویش به نام *الامام علی بن ابی‌طالب* علیه‌السلام می‌نویسد: «وقتی که امام به خاطر حفظ وحدت مسلمانان، با خلیفه اول همراهی کرد، ابوسفیان به سوی آن حضرت رفته و گفت، دست را بده تا به عنوان خلیفه با تو بیعت کنم! حضرت به شدت او را از خود رانده و فرمود، تو همواره به دنبال فتنه‌انگیزی، ایجاد شر و اختلاف بین مسلمانان بوده‌ای» (رشیدرضا، بی‌تا: ۴۰) از همین رهگذر است که حضرت، شکیبایی و همراهی با امت را در مسئله خلافت، بر احقاق حق خویش ترجیح داد و فرمود: «فرأیت ان الصبر علی هاتا احجی؛ دیدم که شکیبایی در این عرصه عاقلانه‌تر است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۱ / ۳۱۷) حضرت همراهی و هماهنگی با خلفا را به جهت

مصلحت اسلام و امت اسلامی روش و سیره عملی خویش قرار داد و فرمود: «لکنی اسففتُ اذا اسفوا و طرت اذا طاروا؛ اما من با تمام حقی که در امر خلافت منصوصه و بلافصل داشتیم، برای مصلحت اتحاد امت، با خلفا هماهنگ شدم». (همان: ۳۵۷)

امام اگرچه می‌دانست که تنها با خلافت وی، امت، راه اصلاح و هدایت را خواهند پیمود؛ به نیکی می‌دانست که هر گونه اقدام وی در آن زمان، با توجه به در اقلیت بودن یارانی که حقیقت مطلب را دریافته بودند، به ایجاد شکاف بین مسلمین و سوءاستفاده فتنه‌گران، سلاطین آن عصر، منافقین و یهود خیانت پیشه منتهی خواهد گردید. کمک‌های بی‌دریغ، هدایت‌ها و ارائه مشورت‌های مهم در زمان خلفا، به‌ویژه در دوره خلیفه دوم، حاکی از همین معنا بود. (سبحانی، ۱۳۹۱: ۳۰۸ - ۲۹۹)

این روش و منش در زندگی سیاسی و اجتماعی امامان شیعه و اصحاب ایشان، به‌عنوان شیوه مرضیه‌ای بود که در طول تاریخ و در عصر فقهای نامور شیعه دنبال می‌شده و مبنای فقه سیاسی در قرون متمادی، به‌ویژه دوره معاصر بوده است. امام خمینی که به‌عنوان بیدارگر جهان اسلام در عصر کنونی شناخته شده، با پیروی از همین روش و از دریچه تقلین به بیداری و اتحاد مسلمانان توجه داده و به همین مناسبت، در اولین فراز وصیت نامه الهی و سیاسی خویش بعد از نقل این حدیث، به جایگاه محوری تقلین تصریح نموده و می‌نویسد:

اینجانب مناسب می‌دانم که شمه‌ای کوتاه و قاصر در باب تقلین تذکر دهم، نه از حیث مقامات غیبی، معنوی و عرفانی که قلم مثل منی عاجز است از جسارت در مرتبه‌ای که عرفان آن بر تمام دایره وجود از ملک تا ملکوت اعلی و از آنجا تا لاهوت و آنچه در فهم من و تو ناید، سنگینی و تحمل آن فوق طاقت، اگر نگویم ممتنع است و نه از آن چه بر بشریت گذشته است از مهجور بودن حقایق و مقام والای ثقل اکبر و ثقل کبیر ... و این حدیث حجت قاطع است بر جمیع بشر به ویژه مسلمانان مذاهب مختلف ... وصیت سیاسی الهی اینجانب به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می‌باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۲۱ / ۳۹۹)

نزدیک نمودن دیدگاه‌های مذاهب اسلامی

توجه علمای بیدار دل به ایجاد وحدت و همدلی بین پیروان مذاهب اسلامی در طول تاریخ یک اصل جدی بوده است. این مبنای علمی و عملی، و گرایش به چنین روش بنیادین، می‌تواند دلایل مهمی داشته باشد. طبیعتاً، فکر اتحادمحور، معطوف به چند نکته مهم بوده که علاوه بر امهات مورد اتفاق

بین فریقین عبارت از پذیرش اسلام و التزام به نصوص احکام در مسلمانی و حفظ حرمت هر مسلم است و شیخ انصاری به این مهم چنین تأکید کرده است: «ان مجرد اظهار الشهادتین و فعل الصلاه و اخواتها کاف فی الاسلام». (شیخ انصاری، ۱۴۲۵: ۵ / ۱۳۷)

دلایل اصلی فکر اتحاد اسلامی عبارتند از:

۱. نزدیک نمودن دیدگاه‌های اهل سنت به شیعه در درک صحیح از اعتقادات شیعیان برای الفت و مودت بیشتر؛

۲. ارائه تصویر صحیح از عظمت و مرتبت جایگاه اهل بیت در قرآن و روایات نبوی ﷺ؛

۳. جلوگیری از ایجاد نفاق و کدورت قلبی نسبت به شیعیان؛

۴. ترسیم مرزبندی بین عقاید شیعه که همان اسلام ناب است، با عقاید باطنیه و فرق صوفیه؛

۵. جلوگیری از تعدی و آزار و اذیت پیروان این مذاهب نسبت به همدیگر؛

۶. توجه دادن به نقش مرموز فتنه گران بین‌المللی به‌ویژه در سده‌های معاصر که به دنبال ایجاد تفرقه از طریق تأسیس فرق ضالّه بهائیت، وهابیت و تندروان صهیونیستی بودند که جهت ایجاد خلل در شکل‌گیری اتحاد مسلمانان به وجود آمد، و جلوگیری از به وجود آمدن افکار و گروه‌های افراطی تکفیری و تندروانی که به مقدسات مذاهب دیگر اهانت روا می‌دارند.

این علل سبب شد که اولین اقدام در سال ۱۱۵۶ ق از سوی علمای شیعه در ایران و و نجف به شیخ الاسلام عثمانی، پیشنهاد تشکیل جلسه‌ای برای تقریب مذاهب شد که به دلیل کارشکنی و بدگمانی شیخ الاسلام عثمانی که در اثر تحریک عده‌ای فتنه جو، این جلسه برگزار نشد (محیط طباطبایی، ۱۳۷۰: ۱۷۴) بعدها سید جمال‌الدین اسدآبادی، این فکر را در استانبول و مصر، در زمان سلطان عبدالحمید دنبال کرد که موفق نبود. (همان: ۱۸۷)

بعد از اسدآبادی، محمد عبده و میرزا محمدباقر بواناتی، جمعیت تقریب بین اهل‌الاسلام را تأسیس نمودند که مدت فعالیت آن بسیار کوتاه بود، اگرچه عده‌ای از ایران، عثمانی و هندوستان به آن پیوستند (همو، ۱۳۷۵: ۱۸۷) از ۱۳۱۷ ش / ۱۹۳۸ م. مرحوم محمدتقی قمی از ایران به مصر رفته و جمعیت تقریب را پایه گذاری نموده و به عنوان دبیر کل مادام‌العمر آن برگزیده شد. (جماعه التقرب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۲۷ - ۱۲۴)

در زمان مرجع بیدار دل، آیت‌الله العظمی بروجردی (م. ۱۳۴۰)، این جمعیت شکل واقعی خود را یافت و به صدور فتوای تاریخی شلتوت، مبنی بر رسمیت مذهب تشیع به عنوان یک مذهب رسمی اسلامی منجر گردید. (واعظ زاده خراسانی، ۱۴۱۷: ۱۲۸؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹: ۲۰۳ - ۲۰۱) این جمعیت، اقدامات بسیار مهمی را در این راستا انجام داده و علمای فراوان از بلاد اسلامی به آن پیوستند.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که بر مبنای اتحاد اسلامی شکل گرفته بود، اوج کمال این حرکت بود و توانست با بهره‌گیری از رهنمودهای معمار کبیر آن؛ یعنی امام راحل (رض)، به اقدامات عظیمی توفیق یابد که از جمله آن، اعلان هفته وحدت، روز جهانی قدس، جلوگیری از نشر کتب تفرقه‌آمیز، برگزاری نشست‌های بین‌المللی وحدت اسلامی، مسابقات عظیم قرآنی بین قاریان جهان اسلام، صدور فتوای امام و مراجع بیداردل در هماهنگی با مسلمانان در حج، تأسیس دانشگاه مذاهب اسلامی و تدریس فقه بر دیدگاه، مذاهب اربعه، ایجاد مراکز علمی جهت مناظره و تضارب آرا بین مذاهب در محیط علمی و ده‌ها از این قبیل است که بعد از امام راحل نیز توسط خلف صالحش، رهبر فرزانه و بیدار دل انقلاب اسلامی که به حق پرچم‌دار و منادی وحدت اسلامی است، ادامه دارد.

توجه به ظرفیت‌های موجود در جهان اسلام

از مهم‌ترین مبانی که باید به آن توجه کافی نمود، ظرفیت‌های نهفته در جوامع اسلامی است؛ نکته‌ای که می‌توان اذعان نمود که غفلت از آن، به نحو فوق‌العاده‌ای باعث به وجود آمدن فضای ناامیدی در مجامع اسلامی شده است. طبعاً و برای جبران این کاستی، ضرورت پرداختن به داشته‌های ذی‌قیمت مسلمین امری بدیهی می‌نماید. ما می‌توانیم با استفاده از شواهد روشن تاریخی، مهم‌ترین این داشته‌ها را چنین احصا نماییم.

الف) نیروهای فکری و انسانی

یکی از نکات مسلم که مورد پذیرش مستشرقینی همچون ویل دورانت^۱ و گوستاولو بون^۲ است، تأثیر شگرف مسلمانان در تمدن جهان و اثرگیری مستقیم رنسانس از فرهنگ و تمدن شکوفایی مسلمین می‌باشد؛ به نحوی که ویل دورانت می‌گوید:

دنیای اسلام، در جهان مسیحی نفوذهای گوناگون دارد. اروپا از دیار اسلام، غذاها، نوشیدنی‌ها، دارو و درمان، اسلحه و نشان‌های خانوادگی، سلیقه و ذوق هنری، ابزار و رسوم صنعت و تجارت، قوانین و رسوم دریانوردی را فرا گرفت. علمای مسلمان، ریاضیات، طبیعیات، شیمی، هیئت و طب یونان را حفظ و به کمال رساند، این نفوذ اسلامی از راه بازرگانی، جنگ‌های صلیبی و ترجمه

1. Willdorant.
2. Gostawlobon.

هزاران کتاب از عربی به لاتین و مسافرت دانشورانی از قبیل گبرت، مایکل اسکات به اندلس اسلامی انجام گرفت. (دورانت، ۱۳۶۵: ۳۲۰)

لوبون نیز معتقد است که مسلمانان در همه علوم، ششصد سال از سده‌های آغازین تا میانی، استاد ما اروپاییان بوده‌اند. (لوبون، بی تا: ۷۵۱) در واقع اسلام توانست، تعصبات قومی دنیا را با تکیه بر فرهنگ جهانی وطنی چاره کند. (آرام، ۱۳۶۶: مقدمه)

ب) وجود منابع طبیعی و زیرزمینی

این منابع بکر و آماده در کشورهای ضعیف و عقب نگاه داشته شده، همواره محملی برای هجوم بیگانگان تاراجگر بوده است و تاریخ معاصر این معنا را به‌ویژه پیرامون ملل اسلامی، به خوبی بیان کرده است. طبعاً مصلحان بزرگ اجتماعی، همواره این خطر را به مسلمین گوشزد کرده و بانگ بیدار باش آنها، مهم‌ترین ملجأ و پناه مسلمانان بوده است. امام با دید بسیار تیزبین که حقیقتاً حاکی از عمق نگرش ایشان است، در مورد سیاحانی که به نام سیاحت و مسائل علمی و در پوشش این معنا برای جاسوسی و به دست آوردن موقعیت ذخایر مسلمانان به این ممالک می‌آمدند می‌فرماید: «قبل از اینکه امریکا پایش باز بشود به این ممالک، مقدم بر همه، انگلیس‌ها بودند و روس‌ها هم بودند و بعضی ممالک دیگر از قریب سیصد سال یا یک قدری بیشتر مناطق زرخیز و منابع طبیعی مسلمانان مورد بررسی اینها و طمع اینها بوده است». (امام خمینی، بیانات، مورخه ۲۳ / ۷ / ۵۷)

رهبر معظم انقلاب نیز در مورد اهمیت ذخایر مسلمانان به‌ویژه نفت و جایگاه آن در اقتصاد جهانی که عاملی برای استضعاف بیشتر مسلمین است می‌فرماید: «ما امروز نفت داریم، کشورهای حاشیه خلیج فارس، برخی کشورهای افریقایی و آسیایی ... مستکبرین می‌روند و از این نفت حداکثر استفاده را می‌نمایند. (امام خامنه‌ای، صحیفه ولایت، بیانات ۱ / ۱ / ۷۳)

ج) موقعیت جغرافیایی مسلمانان

اغلب کشورهای آسیایی، از نظر استراتژیک و سوق الجیشی در موقعیت مناسبی هستند که طمع استکبار را به دنبال داشته است. این حقیقت مسلم را از تحلیل‌ها و ارزیابی‌های کارشناسان غربی به درستی می‌توان مشاهده کرد. از همین منظر، توجه به خاورمیانه و کشورهای حاشیه خلیج فارس از یک سو و کشورهای حوالی کانال سوئز از سوی دیگر، باعث ایجاد غده سرطانی به نام رژیم اشغالگر قدس گردیده است. سیاست‌های اهریمنانه استکبار باعث شده، علی‌رغم اینکه مسلمانان از این بستر مهم؛ یعنی موقعیت استراتژیک خود می‌توانند انسجام پیدا کنند، اما همواره تفرقه جدی در این میان

همواره وجود داشته و برخلاف هشدارهای مکرر امام راحل و رهبر معظم انقلاب اسلامی برای وحدت از این منظر، هنوز این مسئله به طور جدی ملاحظه نمی‌شود.

زمینه‌ها و بسترهای موجود

الف) دشمن مشترک

امام، همواره در شناساندن دشمن مشترک به مسلمانان، اهتمام جدی داشته‌اند؛ زیرا اصلی‌ترین حربه‌های دشمنان علیه وحدت و اتحاد اسلامی با این شناخت خنثی می‌شود.

ایشان می‌فرمایند: «باید متوجه باشید، باید شما دشمنانتان را بشناسید. اگر شناسید، نمی‌توانید دفعش کنید». (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱۲ / ۴۶۳)

در بیان دیگری می‌فرمایند: «مسلمانان، از هر ملت و مذهبی که هستند، باید به خوبی بدانند که دشمن اصلی اسلام، قرآن کریم و پیامبر عظیم الشان ﷺ، ابر قدرت‌ها، خصوصاً آمریکا و ولیده فاسدش، اسرائیلی است که چشم طمع به کشورهای اسلامی دوخته است». (همان: ۱۹ / ۲۸)

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز، بارها خطر دشمن مشترک را که به دنبال جلوگیری از اتحاد مسلمانان است، یادآور شده و می‌فرماید: «علت این دشمنی‌ها را می‌دانیم، چون جمهوری اسلامی، پرچم بیداری ملت‌های مسلمان را در دست گرفته، چون جمهوری اسلامی، ملت‌ها و دولت‌ها را به اتحاد و عزت دعوت می‌کند». (امام خامنه‌ای، بیانات در ۱۳/۸/۱۳۸۴)

در جای دیگری می‌فرمایند: «دشمن ما، دستگاه عظیم استکبار است که مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌اش، سرمایه‌گذاران صهیونیست، کمپانی‌دارها و تراست‌دارها و کارتل‌داران گردن کلفت دنیایند. دشمن بیرون این هدف ما عبارت است از نظام سلطه بین‌المللی؛ یعنی همان چیزی که به او می‌گوییم استکبار جهانی». (بیانات در حرم رضوی ﷺ، ۱/۱/۱۳۸۶)

در کنگره‌ها و کنفرانس‌های وحدت اسلامی که از اندیشمندان و سیاسیون جهان اسلام، همه ساله تشکیل می‌شود، تأکیدات اندیشوران در دشمن شناسی، برگرفته از آموزه‌های قرآنی و نبوی ﷺ نیز بر همین معیار استوار بوده و هست.

ب) مسئله فلسطین

تشکیل دولت جعلی به نام رژیم اشغالگر قدس، نقشه‌های بسیار مرموزانه و حساب شده استعمار بریتانیا بود و در تداوم آن، تقویت این رژیم، توسط امریکا، در واقع، به دلیل انتقام از مسلمانان و شکستن اتحاد ایشان و تشکیل پایگاهی جهت نابود نمودن توان مقاومت مسلمانان بوده که از این

رهگذر، ضمن چپاول منابع و ارزش‌های اسلامی، محلی برای توسعه فساد و تباهی بین مسلمین باشد. به همین جهت، مسلمانان و بیدارگران بزرگی همچون امام، همواره به این خطر توجه کرده و هشدارهای لازم را داده‌اند. امام از آغازین روزهای نهضت به خطر اسرائیل غاصب توجه داده و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آخرین جمعه ماه رمضان را به‌عنوان روز جهانی قدس اعلام کردند تا باعث اتحاد ملل اسلامی در این خصوص باشد. امام می‌فرمایند:

من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست اسرائیل غاصب و پشتیبانان آن به هم بپیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به‌عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی، همبستگی بین‌المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان، اعلام نمایند. از خداوند متعال، پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواهانم. (امام خمینی، همان: ۹ / ۲۶۷)

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز، همواره از مسئله فلسطین، به‌عنوان یکی از بسترهای مهم در اتحاد ملل اسلامی سخن گفته است. از جمله می‌فرمایند: «ما توجه به مسئله فلسطین را جزء وظایف خود می‌دانیم و در حد توان و امکاناتمان از قیام فلسطین حمایت می‌کنیم». (بیانات در ۱۳۶۹/۱۲/۲۷)

ج) کنگره عظیم حج

حق تعالی، مناسک بسیار قویم و ارزشمند حج را قیاماً للناس ذکر کرده است. آنجا که می‌فرماید:

«جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ» (مائده / ۹۷)

به همین جهت و به علت تأثیرات فوق‌العاده، عمیق و شگرف حج در بیداری و وحدت بین مسلمین، شیاطین و سلاطین پیرو شیطان، در طول تاریخ، سعی وافری کرده‌اند که این مراسم بزرگ را تو خالی نموده و از محتوا و هویت بیندازند و طبعاً، مصلحان بیدارگر، مردم مسلمان را به پریایی حج ابراهیمی که حج پویا، زنده، تأثیرگذار و وحدت‌بخش است، دعوت نموده و می‌نمایند.

امام خمینی همواره توجه به ابعاد عرفانی و عناوین سیاسی و اجتماعی حج را توأمان و مکمل هم قرار داده و با عنایت به بینش همه‌جانبه‌ای که به‌عنوان یک فقیه عالی مقام و مُجدِّد حقایق دینی دارند، در بیانات و پیام‌های روح‌بخش، همه ساله این موضوع را مبرهن ساخته‌اند.

امام در ترسیم حقیقت حج می‌فرمایند: «ابراهیم خلیل، در اول زمان و حبیب خدا (پیامبر رحمت‌الله) و فرزند عزیزش مهدی موعود روحی فداه در آخر زمان، از کعبه ندای توحید سردادند و

می‌دهند. (امام خمینی، همان: ۱۸ / ۷۸) در جای دیگری می‌فرمایند: «حج بی‌روح و بی‌تحرك و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت و حجتی که از آن هدم کفر و شرک برنیاید، حج نیست.» (همان: ۲۰ / ۲۲۸) امام خمینی در خصوص برائت از مشرکین می‌فرمایند: «فریاد و برائت از مشرکان، مخصوص به زمان خاصی نیست، این دستور جاوید است.» (همان، ۲۰ / ۲۱)

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز می‌فرمایند: «گویی خدای دنیا - معاذالله - جباران، زورگویان، چپاولگران، ابر قدرت‌ها، جنایتکاران اند و استضعاف، استبعاد و استثمار خلاق و علو و استکبار نسبت به بندگان خدا، حق مسلم آنهاست و همگان باید پیشانی اطاعت بر آستان تفرعن آنها ساییده و در برابر زورگویی و غارتگری، میل و اراده بی‌مهاری آنها تسلیم باشند. این همان شرکی است که امروز مسلمانان، باید با اعلام برائت، دامن خود و اسلام را از آن تطهیر کنند.» (پیام به حجاج بین الله الحرام، حج سال ۱۳۶۸، ۱۴۰۹ ق)

امام در پیامی ملکوتی به حجاج بیت الله الحرام می‌فرمایند: «شما با رجم، با خود عهد کنید تا شیاطین انس و ابر قدرت‌ها را از کشورهای اسلامی و عزیز برانید. امروز جهان اسلام به دست امریکا گرفتار است. شما برای مسلمانان قاره‌های مختلف جهان، پیامی از خداوند ببرید. پیامی که به غیر از خدا، بردگی و بندگی هیچ کس را نداشته باشید.» (امام خمینی، همان: ۹ / ۲۲۴)

مقام معظم رهبری نیز در این خصوص می‌فرمایند: «در ظلمات سلطه استکبار و ظلم بر جهان امروز، اسلام و قرآن، یگانه ملجایی [است] که می‌تواند ملت‌ها را نجات دهد.» (بیانات در ۱۳۸۰/۱۱/۱۷)

نتیجه

تمسک به قرآن و عترت مهم‌ترین محور وحدت، همدلی، اتحاد و اتفاق مسلمانان است و از مجموعه رهنمودهای مصلح بزرگ قرن معاصر و بیدارگر امت اسلامی، حضرت امام روح الله خمینی و جانشین صالحش، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در این باب می‌توان نتیجه گرفت که این بیداری، علاوه بر تمسک به قرآن و عترت در سایه توجه به استعدادها، ظرفیت‌ها، بسترهای مهم وحدت اسلامی، هوشیاری و بصیرت، اشتراک نظر، تمرکز بر روی مشترکات، پرهیز از تفرقه، توجه به توطئه دشمنان در ایجاد تفرقه بین مسلمانان با مکرهایی همچون اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی، ایجاد فرقه‌های انحرافی همچون بهائیت، وهابیت، صهیونیست و فرقه‌های تکفیری و دقت نظر جدی در رشد آگاهی‌های دینی به دست خواهد آمد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آرام، احمد، ۱۳۶۶، علم در اسلام، تهران، نشر سروش.
۳. ابن حنبل، احمد، بی تا، المسند، بیروت، دارصادر.
۴. امام خمینی، سید روح الله، ۱۳۷۰، صحیفه نور، تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۵. انصاری، مرتضی، ۱۴۲۵ ق، کتاب الطهاره، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم.
۶. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، ۱۳۷۷، دو سند تاریخی در راه تقریب مذاهب اسلامی، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۷. بیهقی، احمد بن حسین، بی تا، السنن، بیروت، دارالفکر.
۸. خامنه‌ای، سید علی، بی تا، حدیث ولایت، تهران، نشر مؤسسه پژوهشی انقلاب اسلامی.
۹. دورانت، ویل، ۱۳۶۵، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۰. رشیدرضا، محمد، بی تا، الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۱. سبحانی، جعفر، ۱۳۹۱، فروغ ولایت، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۱۲.
۱۲. سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۱ ق، الجامع الصغیر، بیروت، دارالفکر، چ ۱.
۱۳. عاملی، زین‌الدین عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ش ۹۶۶ ق، الروضة البهیة، قم، نشر داوری، چ ۱.
۱۴. لوبون، گوستاو، بی تا، تاریخ و تمدن اسلام و عرب، بی جا، بی نا.
۱۵. محمد بن سلیمان، ۱۴۱۲ ق، مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، مجمع الثقافه الاسلامیه، چ ۱.
۱۶. محیط طباطبایی، محمد، ۱۳۷۰، سید جمال‌الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، تهران، بی نا.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۹، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۲.
۱۸. نووی دمشقی، ابوزکریا، ۱۴۱۱ ق، ریاض الصالحین، بیروت، دارالفکر، چ ۲.
۱۹. نیشابوری، مسلم بن حجاج، بی تا، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.
۲۰. واعظ زاده خراسانی، محمد، ۱۴۱۷ ق، و اسیر البروجردی و التقرب، تهران، بی نا.

